

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۷

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی
سال ششم، شماره ۲۳، زمستان ۱۳۹۶

بازنمایی تحلیلی - تطبیقی مهدویت در صحاح سته

سیدرضی قادری^۱
سیدمحمد قادری^۲

چکیده

بدون تردید مسئله مهدویت از مسائل مهم اعتقادی مسلمانان بوده که در طول تاریخ مورد توجه علما و محدثین قرار گرفته است. لذا پرداختن به چنین مسئله ای که در ساختار معرفتی و اعتقادی مسلمانان تاثیر عمیقی دارد از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

از سوی دیگر تحقیق در چنین موضوعی در صحاح سته که مهم ترین منابع دینی اهل سنت می باشد اهمیت مسئله را مضاعف می کند. برخلاف تصور برخی که گمان کرده اند در صحیحین (صحیح بخاری و مسلم) هیچ اشاره ای به این مطلب نشده است، نگارنده بر این عقیده است که مسئله مهدویت از جهات گوناگون در صحاح سته و نیز صحیح بخاری و مسلم مورد توجه واقع شده است. در صحاح سته به حدیث معرفت و نیز روایت دوازده خلیفه پرداخته شده و نیز به برخی از موضوعات مانند نزول عیسی علیه السلام در آخرالزمان و اقتدا به امام مهدی علیه السلام و ظهور سفیانی و خسف بیداء و... تصریح شده است. این مقاله سعی کرده به روش تحلیلی و با نگاه تطبیقی تقریبی این موارد را بازنمایی کند و هیچ دخل و تصرفی در داوری نداشته باشد تا حق

۱. سطح چهارفقه و اصول حوزه علمیه قم و پژوهشگر مباحث مهدویت (نویسنده مسئول)
(ghaderi1@chmail.com).

۲. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام دانشگاه بین المللی امام خمینی علیه السلام قزوین.

مطلب ادا شده و نزد محققان مقبول افتد.

واژگان کلیدی

مهدی، خلیفه، فتن، آخرالزمان، اثنی عشر، اشراف الساعه، شیعه و سنی.

مقدمه

تردیدی نیست که یکی از مؤلفه‌های مهم حیات اجتماعی بشر، مسئله دین و اعتقادات دینی بوده است کمتر جامعه و ملتی را می‌توان یافت که در آن معارف دینی ولو به صورت کمرنگ رسوخ نکرده باشد. لکن برخی از اعتقادات و تصورات آدمی باورهای اصیلی است که با فطرت و عقل آدمی عجین شده است. یکی از این اعتقادات، اعتقاد به منجی و موعود مصلح آخرالزمان است که در هر ملت و مذهبی و حتی غیر معتقدان به ادیان الهی مطرح بوده است. البته این حقیقت در عقاید و معارف اسلامی تحت عنوان «مهدی» تبلور یافته و اذهان را معطوف به خود نموده است. بنابراین نباید تردیدی داشت که از بخش‌های مهم عقاید اسلامی «اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی در آخرالزمان» می‌باشد.

از آن هنگامی که آفتاب هستی بخش اسلام در جزیره العرب طلوع کرد، وجود مبارك پیامبر اسلام ﷺ این اعتقاد را در گوش مسلمانان و پیروان و همه منادیان وحی زمزمه نموده و چشم امید و انتظار آنها را به آینده درخشان نوید داد. از این رو با قاطعیت می‌توان گفت در اصل اعتقاد به مهدی موعود نوعی وحدت نظر و اتفاق فکری در بین همه مسلمین با همه فرق و مذاهب آن برقرار است. هر چند در این میان برخی با انگیزه‌های مبهم یا جاهلانه و یا مغرضانه این اندیشه اصیل را برگرفته از اندیشه یهودی می‌دانند و یا باوری صرفاً شیعی مطرح می‌کنند (فلوتن، ۱۹۸۱م: ۱۳۲؛ گلدزیهر، ۱۹۵۹م: ۱۸۴؛ حسن، ۱۳۷۵ق: ۴۸).

این مقاله در پی اثبات این مدعاست که در معتبرترین کتب حدیثی اهل سنت - صحاح سته - احادیث فراوانی در مورد امام مهدی ﷺ (اصل اعتقاد به مهدی، ظهور و خروج آن حضرت، حسب و نسب، علائم و شرائط ظهور و حکومت جهانی آن حضرت) مطرح شده که کاملاً قابل تطبیق بر احادیث شیعی است و جالب آن است که ۳ کتاب از صحاح سته باب خاصی را به موضوع امام مهدی ﷺ اختصاص داده است. سنن ابن ماجه باب «خروج المهدی»، سنن ترمذی باب «ما جاء فی المهدی» و سنن ابی داود فصل «کتاب المهدی» را باز کرده و احادیثی چند در آن متذکر شده‌اند.

جایگاه مهدویت در اهل سنت

مهدویت و ظهور امام مهدی عجل الله فرجه در آخرالزمان عقیده‌ای است که مسلمانان با توجه به اختلاف مذهبی که دارند بر آن متفق هستند و این قضیه اختصاص به مذهب خاصی ندارد. جمیع مذاهب اسلامی اعم از شیعه امامیه، زیدیه، اسماعیلیه، حنفیه، حنبلیه، شافعیه، مالکیه و دیگران بر این مطلب اتفاق دارند که در آخرالزمان شخصی از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله قیام کرده و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همان طور که از ظلم و جور پر شده است به گونه‌ای که برخی از دانشمندان اهل سنت تصریح کرده‌اند که منکر خروج مهدی کافر است. (متقی هندی، ۱۴۰۸: ۱۷۸)

بنابراین ما در این بخش به برخی از دانشمندان اهل سنت و کتبی که موضوع مهدویت را مورد توجه قرار داده‌اند اشاره می‌کنیم:

الف) روایات مهدوی در مصادر اهل سنت

مصادر و منابع فراوانی از دانشمندان اهل سنت وجود دارد که در آن به روایات مهدوی پرداخته شده است. این مصادر و منابع اعم از صحاح و مسانید و معاجم و تواریخ است. البته نقل تمام این منابع به صدها مورد می‌انجامد اما ما به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

المصنف از عبدالرزاق بن همام بن نافع الحمیدی (متوفای ۲۱۱ ق) معروف به عبدالرزاق صنعانی. وی در این کتاب بابی را با عنوان باب المهدی به مهدویت اختصاص داده و ۱۱ حدیث در آن آورده است.

الفتن از نعیم بن حماد بن معاویه بن الحارث الخزاعی (متوفای ۲۲۸ ق) وی از اساتید بخاری و برخی دیگر از صاحبان صحاح می‌باشد و در این کتاب متذکر احادیث مهدوی شده است.

مسند احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ ق) وی که از ائمه اربعه اهل سنت می‌باشد در این کتاب ۱۳۴ حدیث در موضوع امام مهدی گردآوری نموده است.

المعجم از سلیمان بن احمد طبرانی (متوفای ۳۶۰ ق) طبرانی در هر ۳ کتاب خود - *المعجم الکبیر، المعجم الاوسط و المعجم الصغیر* احادیث مهدوی را آورده است.

المستدرک علی الصحیحین از محمد بن عبدالله نیشابوری (متوفای ۴۰۵ ق) معروف به حاکم نیشابوری. وی در این کتاب فصل خاصی را با عنوان کتاب الفتن آورده و احادیث مهدوی را مطرح نموده است.

جامع الاصول فی احادیث الرسول از ابن اثیر جزری (متوفای ۶۰۶ق) وی در این کتاب فصل خاصی را تحت عنوان «فی المسیح و المهدی» باز کرده و احادیث متعددی در این مورد آورده است.

النهاییه از ابن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴ق) ابن کثیر در این کتاب فصلی به نام «فصل فی ذکر المهدی» گشوده و احادیث متعددی را در آن نقل کرده است.

کنز العمال از متقی بن حسام الدین هندی (متوفای ۹۷۸ق) وی در دو جای این کتاب به احادیث مهدوی پرداخته است. در یک بخش تحت عنوان «خروج المهدی» و در بخش دیگر در بابی به نام «المهدی».

ب) کتاب‌های ویژه امام مهدی علیه السلام از اهل سنت

از آن جایی که اعتقاد به مهدی از مسلمات عقاید مسلمین و مورد تاکید در روایات است، عالمان فراوانی از اهل سنت کتاب‌های خاصی در مورد امام مهدی علیه السلام نوشته و احادیث مهدوی را در آن گردآوری کرده‌اند. ما در این قسمت نیز فقط به چند مورد اشاره می‌کنیم:

- اخبار المهدی اثر عباد بن یعقوب الرواجنی (متوفای ۲۵۰ق)

- کتاب الملاحم نوشته ابوالحسین احمد بن جعفر المنادی (متوفای ۳۳۶ق)

- الاربعون فی المهدی، نعت المهدی، مناقب المهدی اثر ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (متوفای ۴۳۰ق)

- البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام اثر محمد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۶۵۷ق)

- عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر اثر یوسف بن یحیی المقدسی شافعی (متوفای ۶۸۵ق)

- العرف الوردی فی اخبار المهدی اثر ابی بکر جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ق)

- القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر اثر احمد بن حجر هیثمی مکی (متوفای ۹۷۴ق)

- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان اثر علی بن حسام الدین متقی هندی (متوفای ۹۷۵ق)

- المهدی من آل الرسول صلی الله علیه و آله اثر ملا علی بن سلطان القاری (متوفای ۱۰۱۴ق)

- التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر والدجال و المسیح اثر قاضی محمد بن علی الشوکانی (متوفای ۱۲۵۰ق).

ج) قائلین به صحت احادیث مهدوی در اهل سنت

بسیاری از دانشمندان اهل سنت قائل‌اند که احادیث مهدوی از صحت و وثاقت کامل

برخوردار است. ما در این قسمت نیز به معرفی برخی از این دانشمندان می‌پردازیم:
 - ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی در سنن خود باب خاصی را به موضوع امام مهدی عجل الله فرجه اختصاص داده و در ذیل ۳ حدیث می‌نویسد:

هذا حدیث حسن صحیح (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ۳۴۰).

- حاکم نیشابوری در کتاب *المستدرک علی الصحیحین* در ذیل ۶ حدیث می‌نویسد:

هذا حدیث صحیح الاسناد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸ق: ج ۸۳۷۰، ۸۳۷۱، ۸۳۷۸، ۸۴۸۰، ۸۴۸۵، ۸۴۸۶).

- قرطبی مالکی (متوفای ۶۷۱ق) در کتاب *التذکره* به صحت برخی احادیث مهدوی اشاره می‌کند (قرطبی مالکی، ۱۴۱۱ق: ۶۱۵).

- ابن تیمیه (متوفای ۷۲۸ق) در کتاب *منهاج السنة النبویة* می‌نویسد:

احادیثی که برای خروج مهدی به آنها استناد می‌شود احادیثی صحیح هستند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۲۲۹).

- عبدالوهاب شعرانی (متوفای ۹۷۳ق) در کتاب *الیواقیت و الجواهر* می‌نویسد:

در مورد خروج امام مهدی احادیث صحیح بدست ما رسیده است (شعرانی، بی تا: ج ۲، ۵۱۶).

- شیخ عبدالمحسن بن العباد (از معاصرین و رئیس دانشگاه عربستان سعودی) (العباد، ۱۳۹۱ق: ج ۱، ۳۰-۳۶).

د) قائلین به تواتر احادیث مهدوی در اهل سنت

در میان عالمان و محدثان اهل سنت بسیاری از آنها نیز قائل به تواتر احادیث مهدوی شده‌اند. ما در این بخش نیز به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ابوالحسن محمد بن حسین آبری سجستانی (متوفای ۳۶۳) در کتاب *مناقب الشافعی*.

- حافظ محمد بن یوسف کنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ق) در کتاب *البيان فی اخبار صاحب*

الزمان آخر باب یازدهم.

- ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ق) وی در کتاب *تهذیب التهذیب* می‌نویسد:

اخبار و روایات متواترند بر این که مهدی عجل الله فرجه از این امت است و عیسی بن مریم عجل الله فرجه خواهد آمد و پشت سر او نماز می‌گذارد. (عسقلانی، ۱۴۰۴ق: ج ۹، ۱۲۵)

- ابن حجر هیثمی (متوفای ۹۷۴ق) در کتاب *الصواعق المحرقة*، صفحه ۹.
- محمد بن عبدالرسول الحسینی البرزنجی (متوفای ۱۱۰۳) وی در کتاب *الإشاعة لأشراط الساعة* صفحه ۸۷ و در صفحات دیگر ادعای تواتر و قطعی الصدور بودن احادیث مهدی را مطرح می‌کند.

- شیخ محمد سفارینی حنبلی (متوفای ۱۱۸۸ق) وی در کتاب *لوائح الانوار البهیة* درج ۲، ص ۸۰ می‌نویسد:

كثرت بخروجه الروایات حتی بلغت حد التواتر المعنوی و شاع ذلك بين علماء السنه حتی
عدّ من معتقداتهم. (سفارینی، ۱۳۹۴ق: ج ۲، ۸۰)

- سید مومن بن حسن شبلنجی (متوفای ۱۲۹۱ق) او در کتاب *نور الابصار فی مناقب آل بیت
النبی المختار*، می‌نویسد:

اخبار متواتر از پیامبر ﷺ رسیده که امام مهدی ﷺ از اهل بیت ایشان است و جهان را پر از
عدل و داد می‌کند. (شبلنجی، ۱۴۱۸ق: ۲۶۲)

و) اهل سنت و تصریح بر تولد محمد بن الحسن العسکری علیه السلام

هرچند معروف است که می‌گویند عالمان اهل سنت قائلند امام مهدی ﷺ متولد نشده و در
آخر الزمان بدنیا آمده و ظهور و خروج خواهد کرد لکن بعضی از عالمان اهل سنت معتقدند امام
مهدی ﷺ متولد شده و او همان محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ما در این جا به برخی از
این افراد اشاره می‌کنیم:

- ابن خلکان در کتاب *وفیات الاعیان* در ذکر نام «ابوالقاسم محمد بن الحسن المهدی» (ابن
خلکان، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۵۷۱).

- کنجی شافعی (متوفای ۶۵۸) در کتاب *کفایة الطالب* می‌نویسد:

ابو محمد حسن عسکری فرزند هادی در مدینه متولد شده و در سامرا در همان خانه‌ای که
پدرش هادی دفن شد مدفون گشت و از خود فرزندی به جای گذاشت که همان منتظر
می‌باشد (کنجی شافعی، ۱۴۰۴ق: ۴۵۸).

- ابن صباغ مالکی مصری (متوفای ۸۵۵ق) در کتاب *الفصول المهمة*. (ابن صباغ مالکی،
۱۴۰۹ق: ۲۷۴)

- عبدالوهاب شعرانی (متوفای ۹۷۳ق) وی در کتابش می‌نویسد: مهدی ﷺ از اولاد امام

حسن عسکری علیه السلام است و زمان تولدش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق بود و هم اکنون زنده است تا این که عیسی علیه السلام با او هم پیمان بشود. عمر شریف او تا این زمان که سال ۹۵۸ ق است ۷۰۶ سال می باشد. (شعرانی، بی تا: ج ۲، ۱۴۳)

- مؤمن بن حسن شبلنجی (متوفای ۱۲۹) در کتابش فصلی را با عنوان «مناقب محمد بن الحسن» گشوده و به ذکر نسب و حیات آن بزرگوار پرداخته است. (شبلنجی، ۱۴۱۸ق: ۱۶۸)

صحاح سته و صاحبان آن

تردیدی نیست که مهم ترین و نقش آفرین ترین کتب در میان آثار اهل سنت «صحاح سته» می باشد. دانشمندان و محققان اهل سنت احترام خاصی نسبت به این صحاح قائلند و همواره متأثر از روایات و مباحث مطرح شده در آن هستند. از این رو شایسته است مسئله مهدویت را در صحاح سته مورد بررسی قرار دهیم.

صحاح سته شامل ۶ کتاب است:

صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی داود، سنن ترمذی، سنن ابن ماجه و سنن نسائی.

در بین این ۶ کتاب، صحیح بخاری و صحیح مسلم نزد اهل سنت برتر از دیگر کتب است. بعد از این دو کتاب در اعتبار باقی کتابها اختلاف است. معمولاً سنن ابن ماجه را در ردیف آخر قرار می دهند و برخی هم به عللی سنن نسائی را در آخر قرار می دهند که در ادامه متذکر این مطلب می شویم.

بحث دیگری که مطرح است این که آیا صحیح بخاری برتر است یا صحیح مسلم؟ عمده عالمان اهل سنت قائلند که صحیح بخاری در رتبه اول قرار دارد و بسیاری از آنها قائلند بعد از قرآن کتابی به عظمت و صحت بخاری نیامده است.

ابن حجر هیثمی می نویسد:

علماء بر این مطلب اتفاق نظر دارند که بعد از قرآن معتبرتر از صحیح بخاری و صحیح مسلم کتابی وجود ندارد. (هیثمی، ۱۴۱۷ق: ۵)

ذهبی در این باره می نویسد:

اجل کتب الاسلام و افضلها بعد کتاب الله. (ذهبی، ۱۴۱۲ق: ج ۱۹، ۲۴۲)

۱. صحیح بخاری

مؤلف این کتاب ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بخاری است. وی در شهر بخارا و در سال

سال ۱۹۴ ق متولد شد و در سال ۲۵۶ ق در روستای خرتنگ از توابع سمرقند وفات یافت. وی تحصیلات خود را در بخارا آغاز کرده و سپس برای تکمیل تحصیلات و اخذ حدیث و استفاده از مشایخ به خراسان، عراق، مصر، حجاز و سوریه مسافرت کرد که این سفر حدود ۱۷ سال طول کشید. (ذهبی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۲، ۳۹۲)

مهم‌ترین اساتید وی: ابوزرعه رازی، احمد بن حنبل، یحیی بن معین، اسحاق بن راهویه بوده‌اند. (همو: ۳۹۵)

ابراهیم بن معقل (از شاگردان بخاری) درباره انگیزه تألیف صحیح بخاری می‌گوید:
من از خود بخاری شنیدم که می‌گفت: روزی نزد استادم اسحاق بن راهویه نشسته بودم که گفت: ای کاش کتاب مختصری از احادیث صحیح از سنت نبوی ﷺ فراهم می‌کردید و می‌آوردید. این حرف در دلم نشست و شروع به گردآوری احادیث نموده و صحیح خود را از میان ششصد هزار حدیث گرد آوردم. (همو: ۴۰۰؛ عسقلانی، ۱۴۰۹ق: ۵)

بخاری در مقدمه کتابش می‌نویسد:

ما خرجت فی کتابی حدیثاً حتی استخرت الله و تیقنت صحته؛ (بخاری، ۱۴۱۰ق: ؟؟؟)
هر حدیثی که من در کتابم آوردم یقین به صحت آن پیدا کرده‌ام.

بخاری نگارش کتاب خود را در حرم پیامبر ﷺ آغاز کرده و برای تکمیل آن شانزده سال به مصر و شهرهای دیگر مسافرت کرده و پس آن را در زادگاه خود به پایان رسانده است.
بخاری براساس شرایطی روایات را گزینش می‌کرد که عبارتند از: اتصال سند تا طبقه صحابه، عدالت، ضابط بودن راویان. (الخطیب، بی‌تا: ۳۱۲-۳۱۳)
البته صحیح بخاری دارای نقص‌ها و ضعف‌ها و اشکالات متعددی است که پرداختن به آن موجب تطویل در بحث می‌شود.

۲. صحیح مسلم

مؤلف آن ابوالحسین مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری است. وی در سال ۲۰۲ یا ۲۰۴ در نیشابور متولد شد و در سال ۲۶۱ ق در نصرآباد نیشابور وفات یافت. اساتید وی: محمد بن اسماعیل بخاری، اسحاق بن راهویه، سعید بن منصور، احمد بن حنبل، داود بن عمر بوده‌اند. (ذهبی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۲، ۵۶۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲ق: ج ۱۱، ۴۲)

صحیح مسلم پس از صحیح بخاری معتبرترین کتاب نزد اهل سنت است. هر چند بخاری مقام استادی بر مسلم دارد ولی چینش احادیث و ساختار خاصی که در کتاب صحیح مسلم به

کاررفته موجب شده است برخی صحیح مسلم را بر صحیح بخاری ترجیح بدهند (نووی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۱).

ذهبی یکی از دانشمندان اهل سنت در مورد مسلم می نویسد:

هو الامام الكبير الحافظ الحجة الصادق ابوالحسين مسلم بن حجاج. (ذهبی، ۱۴۰۶ق:

ج ۱۲، ۵۶۶)

محمد بن ماسرجی می گوید:

از مسلم شنیدم که گفت: کتاب صحیح خود را از میان سیصد هزار حدیث فراهم کردم.

۳. سنن ابی داود

مؤلف این کتاب ابو داود سلیمان بن اشعث ازدی سجستانی است. وی به سال ۲۰۲ ق در سیستان متولد شد و در سال ۲۷۵ ق در بصره وفات یافت. اساتید وی احمد بن حنبل، یحیی بن معین، محمد بن عیسی نجیح، اسحاق بن راهویه، صفوان بن صالح بوده اند. ابی داود در مورد تألیف کتاب خود می نویسد:

کتبت عن النبي ﷺ خمسة ألف حدیث، انتخبت منها ما ضمنته هذا الكتاب و جمعت فيه اربعة آلاف و ثمانی مائة حدیثاً؛

از روایات رسول خدا ﷺ پانصد هزار حدیث را نوشتم و از میان آنها ۴۸۰۰ حدیث را گزینش کردم و کتاب سنن را با این احادیث گزینش شده نوشتم و روایات صحیح و نزدیک به صحیح را در آن آوردم. (ذهبی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۲، ۲۰۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲ق: ج ۱۱، ۶۴)

سنن ابی داود نزد اهل سنت از اعتبار ویژه ای برخوردار است به حدی که بسیاری از عالمان اهل سنت این کتاب را بعد از صحیح بخاری و صحیح مسلم در رتبه سوم قرار می دهند.

ابراهیم بن اسحاق حربی در مقدمه سنن ابن داود می نویسد:

دانش حدیث در دست ابی داود همان گونه بود که آهن در دست داود پیامبر ﷺ.

خطابی در مورد او می نویسد:

در علم حدیث بسان ابی داود کتابی نگاشته نشده است. (ابن تیمیة، ۱۴۰۵ق (ب): ۴۱)

۴. سنن ترمذی

مؤلف آن ابو عیسی بن سوره سلمی ضربیر ترمذی است. وی در سال ۲۰۹ ق در روستای بوغ از شهر ترمذ در منطقه خراسان بزرگ متولد شد و در سال ۲۷۹ ق در شهر ترمذ وفات یافت. اساتید وی اسحاق بن راهویه، محمد بن اسماعیل بخاری، یحیی بن اکثم (که نزد مأمون عباسی با

امام جواد علیه السلام مناظره داشت و محکوم شد) بوده‌اند. (ذهبی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۳، ۲۷۰)

ترمذی را «ضریر» نیز گفته‌اند یعنی نابینا. برخی گفته‌اند وی کور مادرزاد بود و برخی نیز قائل‌اند وی در اواخر عمر نابینا شد.

ترمذی در قوه حافظه و هوش ضرب‌المثل بود. وی نخستین فرد در میان دانشمندان اهل سنت است که احادیث را به صحیح و حسن و ضعیف تقسیم کرده است. قبل از او احادیث تنها به صحیح و ضعیف تقسیم می‌شد. (الخطیب، بی تا: ۳۳۱)

خود ترمذی در مقدمه سنن در تعریف کتابش می‌نویسد:

صنفت هذا الكتاب و عرضته على علماء الحجاز و العراق و الخراسان فرضوا به و قالوا من كان هذا الكتاب في بيته فكأنما في بيته نبي يتكلم؛

وقتی این کتاب را تألیف کردم بر علما حجاز و عراق عرضه کردم و آنان این کتاب را تأیید کرده و گفتند: هر کس در خانه‌اش این کتاب باشد گویا پیامبری در خانه‌اش دارد. (ذهبی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۳، ۲۷۴)

سمعانی که یکی از دانشمندان اهل سنت است در مورد ترمذی می‌گوید:

انه امام عصره بلامرافعه، صاحب التصانيف وانه احد الائمة الذين يقتدى به في علم الحديث (سمعانی، ۱۳۸۲ق: ج ۱، ۳۲۲).

۵. سنن ابن ماجه

مؤلف این کتاب ابوعبدالله محمد بن یزید بن ماجه ربعی قزوینی است. وی در سال ۲۰۹ق متولد شده و در سال ۲۷۳ق در قزوین وفات یافت. اساتید وی علی بن محمد الطنافسی، ابوبکر بن ابی شیبه، عثمان بن ابی شیبه، مصعب بن عبدالله زبیری بوده‌اند. (ذهبی، ۱۴۰۶ق: ج ۱۳، ۲۷۷)

ابن ماجه در مقدمه کتابش می‌نویسد:

عرضت هذه السنن على ابي الزرعه الرازي فنظرفيه وقال: اظن ان وقع هذا في ایدی الناس تعطلت هذه الجوامع او اكثرها؛

این کتاب سنن خود را به ابی زرعه محدث عرضه کردم وی در این کتاب نظر کرده و گفت: گمان می‌کنم اگر این کتاب در دست مردم قرار بگیرد جوامع حدیثی دیگر معطل بمانند.

ابن کثیر در مورد ابن ماجه می‌نویسد:

کتابه يدل على علمه و خبرويته و اتباعه السنن في الاصول و الفروع. (ابن كثير، ۱۴۱۲ق: ج ۱۱، ۵۲)

معروف بين دانشمندان اهل سنت اين است که سنن ابن ماجه میان صحاح سته به عنوان آخرين کتاب از نظر اعتبار شناخته شده است و برخی آن را بر الموطأ ابن مالك ترجيح داده اند. (ذهبي، ۱۴۰۶ق: ج ۱۳، ۲۷۷)

۶. سنن نسائي

مؤلف آن ابو عبدالرحمن احمد بن علي بن شعيب نسائي است. وی به سال ۲۱۵ق در شهر نساء از خراسان قديم ايران متولد شده و در سال ۳۰۳ق در مکه وفات يافت. اساتيد وی اسحاق بن راهويه، عيسى بن حماد، سويد بن نصر، هشام بن عمار بوده اند. (همو: ج ۱۴، ۱۲۵) نسائي کتابی در خصائص و فضائل اميرالمومنين علي عليه السلام دارد که به خاطر نوشتن اين کتاب موجب ضرب و جرح واقع شده و بعد از مجروح شدن در شام به درخواست خودش او را به مکه آوردند و در بين صفا و مروه فوت کرد. (همو: ۱۳۲)

نسائي نزد دانشمندان اهل سنت از جاياگاه بلندی برخوردار است و با توجه به ضابط بودن و اعمال شرائط سخت تر از بخاری و مسلم در گزينش روايات کتاب سنن او جزء معتبرترین کتب اهل سنت شمرده شده است به گونه ای که حتی برخی از اهل سنت آن را بخاطر صحت روايات و تنظيم خاص فقهی برتر از سنن ابی داود و یا در مرتبه ای پس از آن قرار داده اند. (همو: ۱۲۹) ذهبي درباره او می نویسد:

النسائي، الامام الحافظ، الثبت، شيخ الاسلام، نافذ الحديث (ذهبي، ۱۴۰۶ق: ج ۱۴، ۱۲۴).

هر چند علمای اهل سنت نسائي را در علم حديث و رجال ستوده اند و کتاب سنن او را جزء صحاح سته و از معتبرترین منابع اهل سنت بر شمرده اند ولی به علت اين که نسائي علاقمند به اهل بيت عليهم السلام و دوستدار امام علي عليه السلام بوده از او فاصله گرفته اند.

احاديث عام مهدوی در صحاح سته

اين موضوع امام مهدی در معتبرترین کتب حديثی اهل سنت که صحاح سته می باشد به دو صورت مطرح شده است. يك صورت اين است که ما در صحاح سته به احاديثی بر می خوريم که موضوع مهدويت از آن به طور کلی قابل استنباط است صورت دوم اين است که برخی از

احادیث فقط بر موضوع امام مهدی علیه السلام قابل تطبیق است. ما در این بخش ابتدا به احادیثی می‌پردازیم که به طور عام بر مسئله مهدویت قابل انطباق است.

۱. حدیث دوازده خلیفه

یکی از احادیث صحیح و متواتر که در صحاح سته و دیگر منابع موثق اهل سنت و نیز در کتب شیعه مطرح شده «حدیث دوازده خلیفه» است. این روایت به طرق متعدد و همگی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است. از این رو صدور این حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله قطعی و مسلم می‌نماید و نیاز به بررسی سندی نیست و فقط باید دلالت آن را مورد کنکاش قرار داد. البته برخی از دانشمندان اهل سنت بر صحت این حدیث تصریح کرده‌اند^۱ (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ۴۶۳).

بخاری در کتاب الاحکام باب استخلاف به سند خود از جابر بن سمره نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

يكون اثنا عشر اميراً فقال كلمة لم اسمعها، فقال ابى: انه قال: كلهم من قریش؛ (بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۸، ۱۳۸)

دوازده امیر خواهند بود آن گاه سخنی فرمود که من آن را نشنیدم، پدرم گفت: همه آنان از قریش هستند.

مسلم در کتاب الامارة به سندش از جابر بن سمره نقل کرده که گفت: با پدرم بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدیم. شنیدیم که می‌گوید:

ان هذا الامر لا ينقضى حتى يمضى فيهم اثنا عشر خليفة قال: ثم تكلم بكلام حنى على قال فقلت لأبى ما قال؟ قال: كلهم من قریش (نیشابوری، بی تا: ج ۶، ۳).

مسلم در کتاب الامارة این حدیث را به ۵ طریق نقل می‌کند که ما به يك طریق آن اکتفا می‌کنیم. مسلم به سند خود از سماك بن حرب از جابر نقل می‌کند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود:

لا يزال الاسلام عزيزاً الى اثني عشر خليفة، ثم قال كلمة لم افهمها فقلت لأبى ما قال؟ فقال: كلهم من قریش؛

۱. حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی در منتخب الاثر، جلد ۱، باب اول، ۱۴۷ روایت را در همین باب از منابع معتبر اهل سنت نقل می‌کند.

همیشه اسلام عزیز است تا دوازده خلیفه بر آنها حاکم بشود. آن گاه پیامبر ﷺ کلمه‌ای گفت که من آن را نفهمیدم. از پدرم سؤال کردم: پیامبر ﷺ چه فرمود؟ پدرم گفت: همه آنها از قریش هستند. (همو: ۳۰۴)

این حدیث را ابی داود در سنن خود به دو طریق آورده است. (سنن ابی داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۴۲۱)

و در سنن ترمذی در ابواب القدر در باب «ما جاء فی الخلفاء» آمده و ترمذی در ذیل این حدیث می‌نویسد:

هذا حدیث حسن صحیح. (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ۳۴۰)

حدیث دوازده خلیفه در بسیاری از کتب معتبر اهل سنت مطرح شده که فقط از طریق جابر بن سمره در بیش از ۵۰ منبع اهل سنت آمده است. این حدیث در کتب روایی شیعه نیز مطرح شده و حتی در برخی از کتب معتبر شیعی اسامی ۱۲ خلیفه ذکر شده است. البته در برخی از کتب اهل سنت نیز به این اسامی اشاره شده است. (جوینی، ۱۴۰۰ق: ج ۲، ۱۳۳؛ قندوزی، ۱۴۱۸ق: ۴۴۱)

نکات قابل استفاده از این روایات

- روایت دوازده خلیفه هر چند با عبارت مختلف نقل شده ولی مضامین آن واحد است لذا این نکات به راحتی از آن قابل استنباط است:
- خلافت پس از رسول خدا ﷺ منحصر در ۱۲ نفر است.
- همگی آنان از قریش هستند.
- عزت اسلام به وجود این خلفا بستگی دارد یعنی مراد پیامبر این است که این خلفا موجب عزت و سربلندی اسلام هستند.
- دین اسلام پایان نمی‌پذیرد مگر این که این ۱۲ خلیفه روی کار بیایند.
- این خلافت پیاپی و بدون فاصله است چون معنای خلیفه همین است.

مصدق ۱۲ خلیفه

خلافت رسول خدا ﷺ در بین شیعه و سنی از قداست خاصی برخوردار است. خلیفه رسول خدا ﷺ باید کسی باشد که صاحب تقوای باطن و تهذیب نفس در درون و نیز اقامه کننده عدل و برپاکننده معروف و مانع منکرات باشد و چنانچه غیر از این معنا باشد او خلیفه شیطان و

مطیع شیطان است.

در بین اهل سنت اختلاف نظر در مورد مصادیق این ۱۲ خلیفه بسیار زیاد است و بر همین اساس توجیهاات و تفسیرهای فراوانی مطرح کرده‌اند که ما فقط به یک توجیه و تفسیر آن می‌پردازیم.

برخی از عالمان اهل سنت گفته‌اند مراد از این ۱۲ خلیفه عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان، امام علی علیه السلام، معاویه، یزید بن معاویه، معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان، ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز (عظیم‌آبادی، بی‌تا: ج ۱۱، ۳۶۱). ضعف این توجیه بسیار آشکار است: اولاً کسانی در زمره خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شده‌اند که در عمل و رفتار خلاف سیره و سنت آن بزرگوار عمل کردند.

ثانیاً: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود این ۱۲ نفر موجب عزت اسلام و مسلمین می‌باشند. آیا این ۱۲ نفر همگی دارای چنین وصفی بوده‌اند؟ آیا این وصف بر یزید بن معاویه و امثال او قابل تطبیق است در حالی که یزید فاسق و شارب خمر بود و با جنایاتی که یزید در طول چهار سال حکومت خود مرتکب شد هر مسلمانی شرم می‌کند او را خلیفه مسلمین بداند. اهل سنت نقل کرده‌اند که فردی نزد عمر بن عبدالعزیز از یزید به عظمت یاد کرد. عمر بن العزیز فوراً دستور داد او را بیست تازیانه بزنند. (هیثمی، ۱۴۱۷ق: ۲۱۶)

برخی از عالمان اهل سنت نیز در توجیه ۱۲ خلیفه گفته‌اند چهار خلیفه راشدین در ابتدای خلافت هستند و بقیه در طول تاریخ و تا قیام قیامت می‌آیند و حکومت می‌کنند. (ابن کثیر، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۳۴) این توجیه نیز بسیار نادرست است چون خلافت به معنی متوالی بودن و پیاپی آمدن این خلفای ۱۲ گانه است.

اما در روایات شیعه این ۱۲ خلیفه بر امامان ۱۲ گانه شیعه تطبیق شده‌اند و برخی از علمای اهل سنت نیز بر آن تصریح کرده‌اند که همگی پیاپی و متوالی بوده و موجب عزت اسلام و مسلمین می‌باشند. بر همین اساس شیخ طوسی فرموده تطبیق روایات ۱۲ خلیفه، بر امامان ۱۲ گانه شیعه موجب اعتبار روایت و اعتبار عدد می‌شود. (طوسی، ۱۳۷۷ش: ۱۵۶) و دیگر توجیهاات و تفسیرها موجب می‌شود که افرادی داخل در ۱۲ خلیفه شوند که تخصصاً خارج هستند یا این که انحصار خلافت به ۱۲ نفر مشکل پیدا کند.

بنابراین ۱۲ خلیفه همان ۱۲ امام معصوم می‌باشند که اولین آنها امام علی علیه السلام و آخرین آنها امام مهدی علیه السلام می‌باشد.

سنن ابن ماجه بر این مطلب تصریح می کند که امام مهدی علیه السلام خلیفه خدا بر روی زمین است. (ابن ماجه: بی تا، ج ۲: ۳۶۷) حاکم نیشابوری می نویسد که این حدیث طبق مبنا و شروط بخاری و مسلم از حیث سند صحیح است. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ۴۶۳) در کتاب *بذل المجهود* که شرح سنن ابی داود است بعد از نقل اقوال گوناگون در مورد خلفای اثنا عشر در انتها می نویسد:

و آخرهم الامام المهدي و عندي هذا هو الحق. (تفوری، ۱۴۱۶ق: ج ۱۷، ۱۸۸)

در صحیح مسلم از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

يكون في آخر امتي خليفة يحوط المال حياً ولا يعدّ عدأ؛ (نیشابوری، بی تا: ج ۸، ۱۸۵) در میان امت من در آخرالزمان خلیفه ای است که مال فراوان می بخشد و هیچ شمارش نمی کند (نیشابوری، بی تا: ج ۸، ۱۸۵).

البته هم در صحیح مسلم در باب نزول عیسی علیه السلام و هم در شرح صحیح مسلم اشاره شده که مراد از این خلیفه حضرت مهدی علیه السلام است. برخی از دانشمندان و محققان اهل سنت قائل اند این که ابی داود در سنن خود در کتاب المهدی حدیث ۱۲ خلیفه را آورده نشانگر این مطلب است که ابی داود نیز معتقد است امام مهدی علیه السلام خلیفه دوازدهم از خلفای ۱۲ گانه است. (سیوطی، ۱۴۱۴ق: ۲۴۷)

۲. حدیث تقلین

یکی از احادیثی که مورد اتفاق همه مسلمین است «حدیث تقلین» است که در معتبرترین کتب شیعه و سنی آمده است. این حدیث را ۴۳ نفر از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده (هیثمی، ۱۴۱۷ق: ۸۹) و بیش از ۱۶۰ نفر از عالمان و محققان اهل سنت در کتب خود آورده اند. این حدیث در صحیح مسلم و سنن ترمذی آمده است.^۱

مسلم در صحیح خود از زید بن ارقم نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار برکه آبی به نام خم بین مکه و مدینه برای جمعیت حاضر خطبه ای خواند و در ضمن خطبه از نزدیک شدن مرگ خود صحبت کرد و بعد فرمود:

۱. مرحوم میر حامد حسین هندی در کتاب عبقات الانوار که در باب امامت ائمه اطهار (ع) تدوین کرده تنها در دو جلد آن یعنی به میزان ۹۴۴ صفحه فقط به این حدیث تقلین پرداخته است و سهم عمده ای از روایات این مسئله، مربوط به منابع اهل سنت بوده نشان از اهمیت و جایگاه این حدیث در نزد اهل سنت است.

اینها الناس من در میان شما دو چیز گرانبها می‌گذارم و می‌روم: اول آنها کتاب خدا که در آن هدایت و نور است کتاب خدا را بگیرید و به آن چنگ بزنید. سپس فرمود: و اهل بیت من. پیامبر ﷺ سه بار فرمود «اذکرکم فی اهل بیتی» شما را در حق اهل بیتم سفارش می‌کنم. (نیشابوری، بی تا: ج ۷، ۱۲۲-۱۲۳)

ترمذی این حدیث را به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که پیامبر ﷺ در حجة الوداع در حالی که سوار بر شتر بود خطبه خواند و شنیدم که فرمود:

انی تارك فيكم ما ان تمسكتم به لن تضلوا بعدى، احدهما اعظم من الاخر: كتاب الله حبل مدود من السماء الى الارض و عترتي اهل بيتي لن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيه. (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۵، ۶۲۱)

عالمان فراوانی از اهل سنت به صحت این حدیث اذعان نموده‌اند که لازم به ذکر نیست. البته يك نکته قابل توجه است و آن این که در صحیح مسلم و سنن ترمذی این روایت به صورت «کتاب الله و عترتی اهل بیتی» آمده است اما در برخی از منابع بعدی و متأخر به صورت «کتاب الله و سنتی» تغییر یافته که موجب تأمل است.

نکات قابل استفاده از حدیث ثقلین

- کتاب خدا و اهل بیت پیامبر ﷺ گرانبهاترین چیز نزد رسول خدا ﷺ بودند.
- هدایت و سعادت در سایه سار کتاب خدا و اهل بیت پیامبر ﷺ است، چرا که فرمود «ان تمسکتم به لن تضلوا»
- تمسک به هر دو موجب هدایت و سعادت است یعنی قرآن و عترت معیت ابدیه دارند یعنی اگر یکی را بگیرید و دیگری را رها کنید گمراه می‌شوید؛ همان طور که علامه مناوی از علمای اهل سنت به این مطلب اشاره کرده است. (مناوی، ۱۳۱۹ق: ج ۲، ۱۷۴)
- قرآن و عترت پیامبر ﷺ تا روز قیامت باقی هستند یعنی ممکن نیست زمانی قرآن باشد و عترت نباشد.

- نکته مهم دیگر عصمت اهل بیت پیامبر ﷺ است و از آن جایی که عترت در تمسک با قرآن شریک است، این نشانگر عصمت و حجیت اهل بیت است. «لن يفترقا» یعنی هر چه را قرآن می‌گوید همان را عترت می‌گوید و بالعکس و این جز عصمت معنای دیگری ندارد.

اهل بیت در حدیث ثقلین

مراد از این «اهل بیت و عترت پیامبر ﷺ» که در این حدیث عدل قرآن قرار گرفته‌اند چه

کسانی هستند؟

همین مطلب در تفسیر آیه تطهیر «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^۱ مطرح شده که اهل البیت چه کسانی هستند که خداوند متعال طهارت تکوینی و ذاتی آنها را اراده کرده است؟

در این باره دیدگاه‌های مختلفی در میان دانشمندان اهل سنت مطرح شده که برخی از آن دیدگاه‌ها قابل جمع بوده و با هم تعارض و تنافی ندارند. اما نظریه‌ای که صائب و حق جلوه می‌کند و قائلین فراوانی دارد و در منابع معتبر اهل سنت مطرح شده، این است که مراد از اهل البیت در قرآن، خصوص پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌باشند. همین نظریه در مورد حدیث ثقلین نیز صادق است چون خود پیامبر ﷺ مصداق اهل بیت علیهم السلام را مشخص فرموده است.

مسلم در صحیح خود از عایشه نقل می‌کند:

پیامبر ﷺ صبحگاهی از خانه خارج شد در حالی که بر دوش او پارچه‌ای از پشم خیاطی شده بود. حسن بن علی علیه السلام بر او وارد شد، او را داخل کسا کرد. آن‌گاه حسین علیه السلام وارد شد او را نیز داخل کرد. آن‌گاه این آیه را تلاوت کرد «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». (نیشابوری، بی‌تا: ج ۷، ۱۳۰)

مسلم در صحیح خود در باب فضائل الصحابه نیز حدیثی نقل می‌کند که بعد از نزول آیه مباحله (آل عمران: ۶۱) پیامبر ﷺ این چنین کرد:

دعا رسول الله علیاً و فاطمه و حسناً و حسیناً فقال: اللهم هؤلاء اهلی. (نیشابوری، بی‌تا: ج ۷، ۱۳۰)

ترمذی همین احادیث را با سند متعدد در سنن خود متذکر می‌شود که بسیار مورد توجه است. (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۵، ۳۲۷)

بنابراین مراد از عترت و اهل بیت پیامبر ﷺ همان کسانی هستند که در مباحله حاضر شده یا در کسا قرار گرفتند. علامه مناوی یکی از دانشمندان اهل سنت در شرح حدیث ثقلین می‌نویسد:

مقصود از عترت پیامبر ﷺ تنها افرادی هستند که دارای علم و پاکی خاصی بوده و

۱. احزاب: ۳۳.

هیچ‌گاه از قرآن جدا نمی‌شوند و این افراد همان اصحاب کسا هستند که خداوند پلیدی را از آنها دور کرده است. (مناوی، ۱۳۱۹ق: ج ۳، ۱۴)

خلاصه و جان سخن در این است که مصداق عترت و اهل بیت پیامبر ﷺ در این زمان چه کسی است تا «لن یفترقا» بین قرآن و عترت معنی یابد؛ چون معنا ندارد زمانی قرآن باشد و عترت نباشد. ابن حجر هیثمی می‌نویسد:

عترت باید کسانی باشند که تمسک به آنها تا قیامت شایسته و موجب بقا و ایمنی برای اهل زمین باشد و بخاطر همین است که پیامبر ﷺ مسلمین را امر کرده به اهل بیت او تمسک کنند. (هیثمی، ۱۴۱۷ق: ۸۹-۹۱)

برخی از دانشمندان اهل سنت مثل جوینی شافعی و علامه قندوزی قائل شدند مراد از عترت پیامبر ﷺ همان ائمه اثنا عشر و خلفای دوازده‌گانه هستند که شیعه قائل است (جوینی شافعی، ۱۴۰۰: ج ۲، ۱۳۳؛ قندوزی حنفی، ۱۴۱۸: باب ۷۶، ۴۴۱).

انصاف آن است که در خود صحاح سته روایاتی وجود دارد که مصداق کنونی عترت را وجود مبارك امام مهدی ﷺ می‌داند.

در سنن ابی داود آمده است که پیامبر ﷺ فرمود:

لا تنقضی الایام ولا یذهب الدهر حتی یملك العرب رجل من اهل بیتی اسمه یواطی اسمی.
(ابی داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۴۲۱)

همین حدیث به سند دیگر در سنن ترمذی آمده است. (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ۳۴۳)
در سنن ابی داود از ام سلمه نیز نقل شده که پیامبر ﷺ فرمود:

المهدی من عترتی من ولد فاطمه. (ابی داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۴۲۲)

بنابراین در می‌یابیم قرآن و عترت طبق حدیث ثقلین هیچ‌زمانی از هم جدا نخواهند شد و مصداق کنونی عترت و اهل پیامبر ﷺ که همتای قرآن است امام مهدی ﷺ می‌باشد که تمسک به آن حضرت در کنار قرآن موجب سعادت است.

البته احادیث عام مهدوی دیگر مثل حدیث معرفت امام و حدیث وجود قرشی و احادیث دیگر قابل طرح است که از آنها صرف نظر می‌کنیم.

احادیث خاص مهدوی در صحاح سته

در این بخش به بررسی احادیثی می‌پردازیم که به طور خاص در مورد امام

مهدی علیه السلام مطرح شده و یا تطبیق آن فقط بر دوران آن حضرت صادق می باشد. ذکر این نکته نیز لازم می نماید که تمامی این احادیث برگرفته از صحاح سته می باشد که معتبرترین منابع اهل سنت است.

محور اول: حسب و نسب امام مهدی علیه السلام

شکی نیست که مهمترین بحث در مورد امام مهدی علیه السلام حسب و نسب آن بزرگوار است. در بررسی این روایات می بینیم حسب و نسب امام مهدی علیه السلام در صحاح سته به صورتی است که در کتب روایی شیعه نیز به چشم می خورد.

۱. مهدی از فرزندان عبدالمطلب است

ابن ماجه در سنن خود از انس بن مالك نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

نحن ولد عبدالمطلب سادة اهل الجنة أنا و حمزة و علی و جعفر و الحسن و الحسين و المهدي؛ (ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ۳۶۸)
ما فرزندان عبدالمطلب سروران اهل بهشت هستیم؛ من و حمزه و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی.

۲. مهدی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است

ابی داود در سنن خود از عبدالله بن مسعود روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لوم یبق من الدنيا الا یوم لظول الله ذلك الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً منی من اهل بیتی یواطی اسمه اسمی...؛ (ابی داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۳۰۹)
اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد هر آینه خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا آن که مردی از اهل بیت مرا برانگیزد که اسمش نظیر اسم من است.

ترمذی در سنن این حدیث را با اسناد خود از عبدالله بن مسعود نقل کرده و دو حدیث دیگر می آورد و در ذیل هر سه حدیث می نویسد:

هذا حدیث حسن صحیح. (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۲۲۳۲ و ۴۲۳۱)

ابی داود در سنن خود حدیث دیگری از امام علی علیه السلام نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لوم یبق الدهر الا یوم لبعث الله رجلاً من اهل بیتی یملأها عدلاً کما ملئت جوراً؛ (ابی داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۳۱۰)

اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند یکی از اهل بیت مرا خواهد فرستاد که زمین را پر از عدل و داد کند همان گونه که از ستم پر شده است.

در سنن ابن ماجه از محمد حنفیه از امام علی علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

المهدی منا اهل البیت یصلحه الله فی لیلة؛ (ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ح ۴۰۸۵)
مهدی از ما اهل بیت است خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند.

۳. مهدی از فرزندان فاطمه است

مهم ترین محور در حسب و نسب امام مهدی علیه السلام این محور است که مورد اتفاق شیعه و سنی است. در صحاح سته ما روایاتی داریم که این مسئله را متذکر شده اند.
ابن ماجه در سنن خود با اسناد خویش از ام سلمه نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

المهدی من ولد فاطمه؛ (همو: ح ۴۰۸۶)
مهدی از فرزندان فاطمه است.

در سنن ابی داود نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که آن حضرت فرمود:

المهدی من عترتی من ولد فاطمه. (ابی داود، ۱۴۱۰: ج ۴، ح ۴۲۸۴)

نکته قابل توجه و تامل این است که حدیث «المهدی حق و هو من ولد فاطمة» را چهار نفر از علمای بزرگ اهل سنت در کتب معتبر خود از صحیح مسلم روایت کرده اند؛ ابن حجر هیثمی (۱۴۱۷: ق ۱۶۳)، متقی هندی (۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۶۴)، ابن صبان مالکی (بی تا، ۱۴۵)، حمزاوی مالکی (۱۳۰۷: ق ۱۱۲) اما در چاپ های موجود و در دسترس هیچ اثری از این حدیث در صحیح مسلم به چشم نمی خورد.

محور دوم: شمایل و سیمای مهدی علیه السلام

از آن جایی که موضوع امام مهدی علیه السلام بسیار مهم و اساسی بوده در روایات متعددی می بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله حتی شمایل و سیمای ظاهری امام مهدی علیه السلام را بیان فرموده است. البته خصوصیات ظاهری امام مهدی علیه السلام در روایات شیعی بیشتر مطرح شده است.

۱. هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله

در سنن ابی داود روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آورده که آن حضرت فرمود:

لؤلؤ یبق من الدنیا الایوم لطول الله ذلك الیوم حتی یبعث فیہ رجلاً یواطی اسمه اسمی؛
(ابی داود، ۱۴۱۰: ج ۲، ح ۴۲۸۲)

اگر از عمر دنیا یک روز بیشتر باقی نماند خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا مردی از نسل مرا برانگیزد که اسم او اسم من است.

شبيهه به همين حديث در سنن ترمذی از پيامبر ﷺ روايت شده است. (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ح ۲۳۳۱)

نيز در سنن ابی داود حديث ديگري آمده که امام علی عليه السلام نگاهي به فرزندش کرد و فرمود:

سيخرج من صلبه رجل يسمي باسم نبيكم... (ابی داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ح ۴۲۹۰)

خداوند از نسل او مردی را خارج می کند که هم نام پيامبرتان است.

و نيز در سنن ترمذی روايت ديگري از عبدالله بن مسعود نقل شده که پيامبر ﷺ فرمود:

بيلي رجل من اهل بيتي يواطى اسمه اسمي. (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ح ۲۳۳۲)

۲. پيشانی بلند، بينی کشيده

در روايات متعددی از شيعه و سنی خصوصيات ظاهري امام مهدي عليه السلام بيان شده است. در سنن ابی داود از ابی سعيد خدری از پيامبر ﷺ نقل شده که پيامبر ﷺ فرمود:

المهدي مني اجلي الجبهة أقي الأنف... (ابی داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ح ۴۲۸۵)

مهدي از فرزندان من است پيشانی بلند و بينی کشيده است. . . .

محور سوم: شرائط و علائم ظهور

از موضوعات مهمی که در مباحث مهدوی مورد توجه قرار گرفته و در روايات متعددی مطرح شده «شرائط و علائم ظهور» است. اين روايات از يك طرف نشان از اهميت اين موضوع در مباحث مهدوی است و از طرف ديگر موجب اميد و دل گرمی و روحيه آينده نگری و هوشمندی شده و نيز موجب آمادگی مسلمين می شود. البته در اين محور دروغ پردازی ها و افسانه سرائی هایی شده که لازم است محققان دلسوز در اين موارد آگاهی کامل را بدهند.

بين شرائط و علائم ظهور تفاوت هایی مطرح شده که عمده تفاوت اين است که علائم و نشانه های ظهور از عهده آدمی خارج است و آدمی نمی تواند در آن تأثير بگذارد ولی انسان ها می توانند در شرائط ظهور موثر باشند. ما در اين جا ابتدا به شرائط ظهور پرداخته و سپس وارد علائم ظهور می شويم:

۱. شرائط ظهور

الف) حتمی بودن ظهور

از موارد مهمی که در روايات مهدوی مورد تاکيد قرار گرفته حتميت و قطعی بودن ظهور امام مهدي عليه السلام است که در صحاح سته نيز در چند حديث مطرح شده است.

ترمذی در سنن خود از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود:

لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا الْيَوْمَ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَلِيَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي؛ (ترمذی،
 ۱۴۰۳ق: ج ۳، ح ۲۲۳۱)
 اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی بماند خداوند آن روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا مردی
 از اهل بیت مرا برانگیزد.

نیز ترمذی حدیث دیگری شبیه به حدیث پیشین از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند. (همو:
 ح ۲۲۳۲)

ابی داود در سنن حتمی بودن ظهور امام مهدی ﷺ را در سه حدیث مطرح کرده که ما
 فقط به ذکر یک حدیث آن اکتفا می‌کنیم. ابی داود از امام علی ﷺ نقل کرده که پیامبر
 اکرم ﷺ فرمود:

لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبِعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا. (ابی
 داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۴۲۸۳)

ب) زمینه‌سازان ظهور

از موارد مطرح شده در روایات فریقین مسئله زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی ﷺ است.
 در سنن ابن ماجه از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود:

يُخْرِجُ نَاسًا مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونُ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ؛
 مردمی از مشرق زمین خارج شده و برای حکومت امام مهدی ﷺ زمینه‌سازی می‌کنند.
 (ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ۴۰۸۸)

ج) محل ظهور

براساس روایات متعدد در منابع شیعی و سنی، محل ظهور حضرت مهدی ﷺ مکه است.
 البته در برخی روایات تصریح شده ظهور ایشان کنار کعبه و بین رکن و مقام است و در برخی بین
 زمزم و مقام. ابی داود در سنن خود از ام سلمه از پیامبر ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

فِي بَيْتِ عَوْنَةَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...؛ (ابی داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ۴۲۸۶)
 با او (امام مهدی) در بین رکن و مقام بیعت می‌کنند.

۲. علائم و نشانه‌های ظهور

در منابع روایی شیعی و سنی ما به موارد فراوانی از علائم و نشانه‌های ظهور بر می‌خوریم که
 در روایات شیعی این علائم به علائم حتمی و غیر حتمی تقسیم شده و ۵ علامت را از علائم

حتمی بر شمرده‌اند. (صدوق، ۱۳۸۱ش: ۶۵۰) در منابع اهل سنت تمام این علائم را در کتاب الفتن و یا در ضمن اشراط الساعة آورده‌اند.

الف) فراگیر شدن ظلم و فساد و فتنه

در سنن ابی داود از پیامبر ﷺ روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

المهدی منی... یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً. (ابی داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ح ۴۲۸۵)

ابی داود در سنن خود این مطلب را در دو روایت دیگر با مضامین مشابه ذکر می‌کند. بخاری در صحیح خود با اسناد خویش از ابوموسی نقل کرده که پیامبر ﷺ فرمود:

ان بین یدی الساعة ایاماً یرفع فیها العلم و ینزل فیها الجهل و یکثر فیها الهرج و المرح و القتل؛ (بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۸، ۸۹)

همانا در آستانه قیامت ایامی خواهد آمد که در آن ایام علم رخت بر می‌بندد و جهل سرازیر می‌شود و هرج و مرج و قتل زیاد می‌شود.

در صحیح بخاری در باب ظهور الفتن و نیز در صحیح مسلم (نیشابوری، بی‌تا: ج ۸، ۱۶۸) و در سنن ابی داود (ابی داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ح ۴۲۷۸) و در سنن ابن ماجه (ابن ماجه، بی‌تا: ج ۲، ح ۴۰۵۰) و در سنن ترمذی (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ح ۲۳۰۱) و نیز در سنن نسائی (نسائی، بی‌تا: ج ۴، ۲۵۲) یعنی در تمام صحاح سته با احادیث متعددی با همین مضامین مواجه می‌شویم که تماماً دلالت دارد بر این که آخرالزمان ظلم و فساد و فتنه به حدی بالا می‌گیرد که زندگی را بر مردم سخت کرده و حفظ دین سخت‌تر از همیشه خواهد بود و همگی انتظار فرجی را دنبال می‌کنند که پایان‌دهنده همه این تیرگی‌ها و ستم‌ها باشد.

ب) طلوع خورشید از مغرب

در روایات متعددی در صحاح سته به این مطلب اشاره شده و بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. در صحیح مسلم از حذیفه بن اسید غفاری نقل شده که پیامبر ﷺ فرمود:

ان الساعة لاتکون حتی تکون عشراآیات... و طلوع الشمس من مغربها؛ ((نیشابوری، بی‌تا: ج ۸، ۱۷۹))

قیامت فرا نمی‌رسد مگر آن‌که ۱۰ علامت محقق بشود؛ یکی از آنها طلوع خورشید از مغرب است.

البته مسلم این حدیث را با سند دیگر نیز نقل می‌کند. بخاری در صحیح خود از ابوهریره

روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود:

لا تقوم الساعة حتى الشمس من مغربها. (بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ح ۶۱۴۱)

طلوع و خورشید از مغرب از علائمی است که در بقیه صحاح سته نیز مطرح شده است. ابن ماجه در سنن خود باب خاصی به نام «باب طلوع الشمس من مغربها» گشوده و ۳ حدیث در آن آورده است. (ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ح ۴۰۶۹)

ج) سفیانی و خسف بیداء

در روایات شیعی خروج سفیانی با لشکرش و فرو رفتن آنها در سرزمین بیداء (بین مکه و مدینه) از علائم حتمی برشمرده شده است (نعمانی، ۱۳۶۳ش: ۴۲۶). روایات متعددی خصوصیات سفیانی را مطرح کرده و او را از دشمنان اهل بیت علیهم السلام دانسته که کشتار و خونریزی‌های فراوانی را به راه می‌اندازد تا این که به سمت مکه حرکت کرده و در سرزمین بیداء به طرز معجزه‌آسایی در زمین فرو می‌رود.

مسلم در صحیح خود باب خاصی را تحت عنوان «باب الخسف بالجیش الذی یؤمّ البیت» باز کرده و چندین حدیث در ذیل آن آورده است. (نیشابوری، بی تا: ج ۸، ۱۶۷)

بخاری در صحیح خود نیز این موضوع را آورده و از عایشه نقل می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود:

یغزو جیش الکعبه فاذا كانوا ببیداء من الارض یخسف بأولهم و آخرهم؛ (بخاری، ۱۴۱۰ق:

ج ۲، ح ۲۰۱۲)

لشکری آهنگ کعبه می‌کنند پس هنگامی که به زمین بیداء درآمدند زمین همه آنها را فرو می‌برد.

ابن ماجه در سنن خود در «کتاب الفتن» در باب «جیش البیداء» ۳ حدیث در این مورد ذکر کرده است. (ابن ماجه، بی تا، ج ۲، ح ۴۰۶۳، ۴۰۶۴ - ۴۰۶۵)

در سنن ابی داود در «کتاب الملاحم» و در سنن ترمذی در باب «ما جاء فی الخسف» احادیث متعددی در این باره ذکر شده است.

د) پرچم‌های سیاه «رایات سود»

یکی از نشانه‌های آخرالزمان و ظهور حضرت مهدی علیه السلام که در روایات شیعی و سنی مطرح شده، برافراشته شدن پرچم‌های سیاه (رایات سود) است. این پرچم‌ها در جهت مثبت برای حمایت و هدایت در مسیر امام مهدی علیه السلام از خراسان برافراشته شده و به حرکت در می‌آیند. برخی از این روایات در سنن ترمذی و سنن ابن ماجه آمده است.

ثم تطلع الرايات السود من قبل المشرق... فقال: فاذا رأيتموه فبايعوه ولو حبواً على الثلج
فإنه خليفة الله المهدي...؛ (ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ح ۴۰۸۲؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۳،
ح ۲۳۱۷)

سپس پرچم هایی سیاه از جانب مشرق ظهور خواهند کرد. سپس فرمود: پس هر گاه
آنها را دیدید با آنها بیعت کنید ولو با راه رفتن در برف ها باشد پس همانا او خلیفه خدا
مهدی است.

ه) خروج دجال

یکی از نشانه های ظهور و یا به تعبیر روایات اهل سنت از علائم آخرالزمان، خروج دجال
است. در مورد دجال در کتب روایی شیعه بسیار مختصر و مجمل پرداخته شده و احادیث کمی
در این مورد آمده است، اما در منابع اهل سنت احادیث فراوانی در مورد دجال و طول عمرش و
صفات و ویژگی ها و خصوصیات ظاهری و کشته شدن او مطرح شده که پرداختن به تمامی
آن ها مقالات متعددی می طلبد. ما در این جا از بین آن همه به ۳ روایت اکتفا می کنیم:
در سنن نسائی از عایشه این گونه نقل شده:

عن النبي ﷺ كان يستعيز بالله من عذاب القبر ومن فتنة الدجال. (نسائی، بی تا: ج ۸،
۲۷۵)

پیامبر ﷺ همواره به خداوند پناه می برد از عذاب قبر و فتنه دجال.

در صحیح بخاری آمده که پیامبر ﷺ فرمود:

ان بين عينيه مكتوب كافر؛ (بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۸، ۱۰۳)
بین دو چشم دجال نوشته شده کافر است.

مسلم در صحیح خود از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود:

فبيعت الله عيسى بن مريم فيطلبه فيهلكه...؛

یعنی سرانجام دجال به دست عیسی بن مریم کشته می شود. (نیشابوری، بی تا: ج ۸،
۱۹۷)

۱۴۱

محور چهارم: حکومت جهانی حضرت مهدی ﷺ

یکی از مهم ترین ابعاد بحث مهدویت، موضوع حکومت جهانی امام مهدی ﷺ و
ویژگی های آن است. چون آینده بشریت و پایان تاریخ و حیات اجتماعی انسان همواره مورد
دغدغه انسان های آینده نگر بوده است، قرآن کریم در آیاتی متعدد بر این مطلب تصریح کرده

که پایان جهان از آن بندگان صالح است (انبیاء: ۱۰۵) و مستضعفان وارثان زمین هستند (قصص: ۵). بنابراین به جاست که ما این موضوع را در روایات مهدوی مورد اشاره قرار بدهیم.

الف) نزول عیسی بن مریم

یکی از مسائلی که در روایات شیعی و سنی به طور مکرر مطرح شده و بسیار مسلم و قطعی جلوه می‌نماید، نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان و در هنگامه ظهور امام مهدی علیه السلام است. عیسی علیه السلام در آخرالزمان از آسمان به زمین نزول می‌کند و بر امام مهدی علیه السلام اقتدا کرده و مردم را به دین حق و دین اسلام دعوت نموده و صلیب‌ها را می‌شکند و خوک را می‌کشد. این مطلب در صحاح سته مطرح شده است و ما به یک روایت اکتفا می‌کنیم:

مسلم در صحیح خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند:

سمعت النبی صلی الله علیه و آله یقول: لا تزال طائفة من أمتی یقاتلون علی الحق ظاهرین الی یوم القیامة. قال: فینزل عیسی بن مریم، فیقول امیرهم: تعال صل لنا. فیقول لا ان بعضکم علی بعض امراء تکرمه الله هذه الامة؛ (نیشابوری، بی تا: ج ۱، ۹۵)

شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گروهی از امت من پیوسته در راه حق جهاد می‌کنند و فاتح خواهند شد تا روز قیامت، سپس فرمود: آن‌گاه عیسی بن مریم فرود خواهد آمد و امیر و پیشوای این گروه به وی می‌گوید: بیا برای ما نماز بگذار. او جواب خواهد داد: خیر، برخی از شما بر دیگران امیرند و این به جهت بزرگداشت و تکریم امت اسلامی است.

در مجموع ۲۰ روایت در صحیح مسلم در ۶ باب به موضوع نزول عیسی علیه السلام پرداخته است؛ مانند کتاب الایمان باب نزول عیسی علیه السلام، باب ذکر مسیح ابن مریم، باب فتح قسطنطنیه و ابواب دیگر.

ب) حاکمیت اسلام بر جهان

خداوند متعال در قرآن وعده داده که دین اسلام را بر تمامی ادیان عالم برتری داده و مسلط بر کل جهان می‌نماید (ابی داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ح ۴۲۸۶).

این وعده به دلیل خاتمیت دین اسلام و جهان شمول بودن آن است. امروزه تنها کتاب آسمانی که مصون از تحریف مانده قرآن کریم است که معارف و حیانی آن توسط انسان معصوم در عالم حکمفرما خواهد شد.

در سنن ابی داود از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

و یعمل فی الناس بسنة نبهم ویلقی الاسلام بجرانه الی الارض؛ (همو: ح ۴۲۸۵)

و او در میان مردم به سنت پیامبر ﷺ عمل می‌کند و اسلام را بر تمام زمین سلطنت و عزت می‌دهد.

ج) عدالت گستری

از واژه‌هایی که بشر همواره با آن مأنوس بوده و جزء آرمان‌های اوست، «عدالت» است. عدالت گمشده بشریت است که در طول تاریخ به دنبال آن می‌گردد که در حکومت امام مهدی ﷺ به معنی واقعی خود تجلی خواهد کرد. در سنن ابی‌داود در ۳ حدیث از پیامبر ﷺ نقل شده که حضرت فرمود:

يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا؛ (ابی‌داود، ۱۴۱۰ ق: ج ۲، ح ۴۲۸۵)
امام مهدی ﷺ زمین را پراز عدل و داد می‌کند همان طور که پراز ظلم و جور شده باشد.

د) بخشش فراوان و رفاه اقتصادی

در جامعه و حکومت مهدوی نیاز مادی مردم با بخشش‌های فراوان امام مهدی ﷺ به آسانی رفع می‌شود و همه از بخشش و احسان او برخوردار می‌شوند. آن قدر این بخشش و احسان فراوان می‌شود که دیگر کسی احساس نیاز نمی‌کند و همه در رفاه اقتصادی بوده تا فقط به بندگی و عبادت الهی بیاورند و از فکر مسائل مادی دور باشند. مسلم در صحیح خود از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود:

يَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي خَلِيفَةُ يَحْيَى الْمَالِ حَثِيًّا لَا يَعْدُ عَدْدًا؛ (نیشابوری، بی‌تا: ج ۸، ۱۸۵)
در اواخر امت من خلیفه‌ای خواهد آمد که مال را فراوان بخشش می‌کند و شمارش نخواهد کرد.

ابن ماجه در سنن خود از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود:

يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ... فَتَنْعَمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ...؛ (ابن ماجه، بی‌تا: ج ۲، ح ۴۰۸۳)

مهدی در میان امت من خواهد بود. مردم در زمان او به چنان نعمتی دست یابند که در هیچ دوره‌ای ندیده باشند.

ه) مدت حکومت امام مهدی ﷺ

یکی دیگر از مواردی که در روایات شیعی و سنی انعکاس یافته و در صحاح سته نیز چند حدیث درباره آن مطرح شده «مدت حکومت امام مهدی ﷺ» است. ترمذی در سنن خود از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود:

ان في أمّتي المهدي يخرج يعيش خمساً أو سبعاً أو تسع سنين؛ (ترمذی، ۱۴۰۳ق: ج ۳، ح ۲۳۳۳)

همانا در امت من مهدی است که ظهور کرده و زندگی می‌کند ۵ سال یا ۷ سال یا ۹ سال.

در سنن ابن ماجه از پیامبر اسلام ﷺ روایت کرده که آن حضرت فرمود:

يكون في أمّتي المهدي ان قصر فسبع والا فتسع؛ (ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ح ۴۰۸۳)

در امت من مهدی خواهد بود اگر کم بشود ۷ سال وگرنه ۹ سال حکومت می‌کند.

در سنن ابی داود در یک روایت مدت حکومت، ۹ سال و در روایت دیگری ۷ سال بیان شده

است. (ابی داود، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ح ۴۲۸۶)

نتیجه‌گیری

از مجموع روایاتی که درباره مهدویت به صورت عام یا خاص در صحاح سته به ویژه در صحیحین به آن پرداخته شده، مشخص می‌شود که موضوع مهدویت از جمله موضوعات مورد توجه نویسندگان صحاح بوده به نحوی که باب ویژه‌ای در سنن ترمذی و سنن ابی داود با عنوان "باب المهدي" ذکر شده و روایات متعددی ذیل آن نقل شده است و به عنوان مثال از حضرت مهدی ﷺ با عنوان خلیفه دوازدهم یا خلیفه آخرالزمان از خلفای پیامبر ﷺ یاد شده است.

علائم ظهور و شرایط آخرالزمان و ویژگی‌های مربوط به مباحث مهدویت از مسائل مورد توجه صاحبان صحاح و سنن بوده است و غالباً با روایات شیعی قابل تطبیق است. پر واضح است که بعد از بررسی کامل و دقت وافر در این روایات، می‌توان به این نتیجه رسید که مسئله مهدویت از اعتقادات اساسی و معارف اصیل نزد فریقین است.

منابع

- قرآن كريم
- ابن تيمية، احمد، *منهاج السنة*، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٥ق (الف).
- _____، *علم الحديث*، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٥ق (ب).
- ابن جوزى، جمال الدين عبدالرحمن، *تذكرة الخواص*، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٧ق.
- ابن حنبل، احمد، *مسند*، بيروت، دارصادر، بى تا.
- ابن خلكان، ابى العباس احمد بن محمد، *وفيات الاعيان*، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٤ق.
- ابن صباغ مالكى، على بن محمد، *الفصول المهمة فى معرفة احوال الائمة*، بيروت، دارالاضواء، ١٤٠٩ق.
- ابن صبان، محمد بن على، *اسعاف الراغبين*، بيروت، دارالكتب العلمية، بى تا.
- ابن كثير دمشقى، اسماعيل، *تفسير القرآن العظيم*، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٠ق.
- _____، *البداية والنهاية*، بيروت، مكتب المعارف، ١٤١٢ق.
- ابن ماجه قزوينى، محمد بن يزيد، *سنن ابن ماجه*، بيروت، دارالفكر، بى تا.
- ابى داود سجستانى، سليمان بن اشعث، *سنن ابى داود*، بيروت، دارالفكر، ١٤١٠ق.
- بخارى، محمد بن اسماعيل، *صحيح البخارى*، بيروت، دارالفكر، ١٤١٠ق.
- ترمذى، ابو عيسى محمد بن عيسى، *سنن ترمذى (الجامع الصحيح)*، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٣ق.
- تفرورى، احمد سهار، *بذل المجهود فى شرح وحل سنن ابى داود*، بيروت، عالم الكتب، ١٤١٦ق.
- جزرى، ابن اثير، *جامع الاصول من احاديث الرسول*، بيروت، داراحيا التراث العربى، ١٤٠١ق.
- جوينى، على بن محمد، *فرائد السمطين*، بيروت، بى تا، ١٤٠٠ق.
- حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، *المستدرک على الصحيحين*، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٨ق.
- حسن، سعد محمد، *المهدوية فى الاسلام*، مصر، دارالكتب الاسلامية، ١٣٧٥ق.
- حسيني دهلوى، مير حامد حسين، *عقبات الانوار فى معرفة الائمة الأطهار*، اصفهان، مدرسه امام مهدى عليه السلام، ١٣٨٢ش.
- حمزاوى مالكى، حسن، *مشارك الانوار*، مصر، دارالنهضة، ١٣٠٧ق.
- الخطيب، محمد عماج، *اصول الحديث*، بيروت، دارالفكر، بى تا.
- ذهبى، شمس الدين، *سير اعلام النبلاء*، بيروت، مؤسسه الرسالة، ١٤٠٦ق.
- _____، *تاريخ الاسلام ووفيات المشاهير والاعلام*، بيروت، دارالكتب العربى، ١٤١٢ق.

- سفاريني حنبلي، شمس الدين محمد، *لوائح الانوار البهية*، مصر، بى نا، ١٣٩٤ق.
- سمعاني، عبدالكريم محمد، *الأنساب*، حيدرآباد، مطبعة مجلس، ١٣٨٢ق.
- سيوطي، ابوبكر جلال الدين، *العرف الوردى فى اخبار المهدي*، بيروت، دارالفكر، ١٤١٤ق.
- شبلنجي، مؤمن بن حسن، *نور الابصار*، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٨ق.
- شعراني، عبدالوهاب، *اليواقيت والجواهر*، بيروت، داراحياء التراث العربى، بى تا.
- صدوق، محمد بن الحسين، *كمال الدين وتمام النعمة*، تهران، دارالكتب الاسلامية، ١٣٨١ش.
- طوسى، محمد بن الحسن، *الغبية*، قم، مؤسسه معارف اسلامى، ١٣٧٧ش.
- العباد، عبدالمحسن، *عقائد اهل السنة والاثرفى المهدي المنتظر*، قم، انتشارات الهادى، ١٣٩١ق.
- _____، *الرد على من كذب بالأحاديث الصحيحة الواردة فى المهدي*، مجلة الجامعة الاسلامية السعودية شماره ٤٥، ١٤١١ق.
- عسقلاني، ابن حجر، *فتح البارى فى شرح صحيح البخارى*، بيروت، دارالمعرفه، ١٤٠٩ق.
- _____، *تهذيب التهذيب*، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٤ق.
- عظيم آبادى، ابو عبدالرحمن، *عون المعبود فى شرح سنن ابى داود*، رياض، بيت الافكار، بى تا.
- فلوتن، فان، *السيادة العربية*، مصر، مكتبة النهضة، ١٩٨١م.
- قرطبي مالكي، محمد بن احمد، *التذكرة باحوال الموتى والآخرة*، بيروت، دارالفكر، ١٤١١ق.
- قشيري نيشابوري، مسلم بن حجاج، *الجامع الصحيح*، بيروت، دارالفكر، بى تا.
- قندوزى حنفى، سليمان، *ينابيع الموده*، بيروت، مؤسسه الاعلمى، ١٤١٨ق.
- گلدزيهر، ايگناس، *العقيدة والشريعة فى الاسلام*، مصر، دارالكتب الحديثة، ١٩٥٩م.
- گنجى شافعى، محمد بن يوسف، *كفاية الطالب فى مناقب آل ابى طالب*، بيروت، داراحياء التراث، ١٤٠٤ق.
- متقى هندی، علاء بن حسام الدين، *كنز العمال*، بيروت، مؤسسة الرساله، ١٤٠٩ق.
- _____، *البرهان فى علامات مهدي آخر الزمان*، مکه، بى نا، ١٤٠٨ق.
- مناوى، محمد عبدالرؤف، *فيض القدير*، بيروت، دارالفكر، ١٣١٩ق.
- نسائي، ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب، *سنن نسائي*، بيروت، دارالفكر، بى تا.
- نعمانى، ابراهيم بن محمد، *الغبية*، تهران، كتابخانه صدوق، ١٣٦٣ش.
- نووى، يحيى بن شريف، *شرح صحيح مسلم*، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٧ق.
- هيثمى، ابن حجر، *الصواعق المحرقة*، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٧ق.